



لحظه تحول سال؛ امدادگران محور از خانواده مشغول انجام وظیفه

گزارش «شهرود» از مصائب پنهان زندگی روزمره امدادگران داوطلب جای تو خالی!

✎ **مرضیه موسوی** «جای تو خالی» جمله‌ای است که اغلب امدادگران هلال احمر با آن آشنایی دارند؛ امدادگری در هلال احمر نیست که جشن‌ها و شادی‌ها و غم‌ها و دورهمی‌ها و مناسبت‌های زیادی را به دلیل رسالتی که دارد از دست نداده باشد. (امدادگر بودن) برای اعضای هلال احمر سبکی از زندگی است که با حسرت از دست دادن لحظات زیادی همراه بوده اما از طرف دیگر، لذت و غرور نجات جان هم‌نوعان را برایشان به ارمغان داشته است. هر روز صدها حادثه بزرگ و کوچک در گوشه‌وکنار کشور رخ می‌دهد که تیم‌های عملیاتی را به خود می‌خوانند. امدادگران در ساعت‌ها و روزهای عملیات، برای نجات جان هم‌نوعان، خطرهای زیادی را به جان می‌خرند اما اغلب هرگز نامی از آنها به گوش نمی‌رسد. کسی نمی‌داند یک امدادگر داوطلب وقتی انتخاب کرده که در ایام نوروز یا هر وقت دیگری، در خدمت کمک‌رسانی به مردم باشد، قید چه موقعیت‌ها و لحظات شخصی‌ای را زده. با امدادگران جمعیت، درباره این حسرت‌ها و سبک زندگی‌ای که در پیش گرفته‌اند به گفت‌وگو نشستیم.

پادشاه امدادگرانی



می‌گوید هلال احمری بودن، بیشترین تاثیر را در زندگی‌اش گذاشته؛ حتی بیشتر از تحصیل در دانشگاه و هر اتفاق دیگری. محمد مومن‌رومیانی «حالا نجاتگر یک جمعیت هلال احمر اندیشمک است. نزدیک به هزار ماموریت جاده‌ای را پشت سر گذاشته و در حوادث مهمی مثل زلزله کرمانشاه، سیل خوزستان، حادثه متروپل و... حضور داشته. او می‌گوید: «مهم‌ترین تاثیری که هلال احمر در زندگی من گذاشته، این است که بی‌تفاوت از کنار هیچ‌کس و هیچ حادثه‌ای عبور نکنم. همیشه یک کیف کمک‌های اولیه در ماشینم دارم و اگر در جاده یا هر جایی که هستم حادثه‌ای ببینم، حتما می‌ایستم و تا رسیدن نیروهای اورژانس و انتقال مصدومان به مرکز درمانی، کمک می‌کنم.»

به گفته او، همه زندگی‌اش حول محور امدادگر بودن می‌گذرد؛ سفرها، تعطیلات و حتی تحصیلش. محمد می‌گوید: «وقتی حادثه متروپل رخ داد، از اندیشمک به آبادان اعزام شدیم. همان روزها امتحانات دانشگاه آغاز شده بود. از یک طرف همه درس‌هایی را که یک ترم برایشان زحمت کشیده بودم، باید آزمون می‌دادم و از طرف دیگر خانواده‌های نگران و داغ‌دیده‌ای را می‌دیدم که دنبال خبری از عزیزان‌شان بودند. در آن روزهای داغ که گاهی رطوبت به ۹۰ درجه هم می‌رسید، در شرایط بسیار سختی مشغول آواربرداری بودیم. می‌دانستم که می‌توانم ترم بعد در امتحانات شرکت کنم، اما زمان برای مردم آبادان آن روزها حیاتی بود. برای همین در آبادان ماندم. چون امدادگر بودن را مهم‌ترین وجه زندگی خودم می‌دانم.»

او می‌گوید: «هر فرد حادثه‌دیده‌ای با تیم‌های امدادی، سه شماره بیشتر فاصله ندارد؛ ۱۱۲. گاهی یک دقیقه زودتر رسیدن هم در مرگ و زندگی افراد حادثه‌دیده تاثیر می‌گذارد. این موضوع را افرادی درک می‌کنند که در جاده و کوهستان و حتی داخل شهر، دچار حادثه‌ای شده‌اند. خیلی از این افراد در لحظه دریافت خدمات امدادی، هوشیار نیستند یا در موقعیتی نیستند که بخواهند نام‌ونشان امدادگر را بپرسند. بسیاری از این افراد هرگز نمی‌دانند که چه‌کسی جان آنها را نجات داده، اما همین‌که بدانیم باعث کاهش رنج و آلام فرد و خانواده‌ای شده‌ایم، برای ما پادشاه بزرگی است که با هیچ موقعیت و موفقیت دیگری نمی‌توان آن را مقایسه کرد.»

امداد، همیشه در اولویت



خانواده امدادگران به نبودن فرزندان‌شان در روزها و لحظه‌های مهم زندگی عادت کرده‌اند. خاطرات بسیاری از آنها پر است از تولدها، نوروزها، یلداها و... که خانواده‌شان به پایگاه امدادی آمده‌اند تا کنار فرزندان‌شان باشند. «جلال عیوضی»، از امدادگران دماوندی‌کی از این امدادگران است. او می‌گوید: «زمان زلزله کرمانشاه من در سریالی به کارگردانی شمقدری بازی می‌کردم. در کرمانشاه بودم که مدیر برنامه‌های سریال رنگ زد و گفت فردا آفیش هستی و باید سر فیلمبرداری حاضر شوی، ساعت ۶ صبح ماشین به دنبالت می‌آید. گفتم پس ماشین را بفرست کرمانشاه! چون زلزله آمده و من اینجا هستم!» روز در کرمانشاه بودم و برنامه‌های گروه ۱۰ روز به عقب افتاد، چراکه در آن لحظه برای من هیچ چیز مهم‌تر از حضور در کنار مردم زلزله‌زده و امدادگرانی نبود.»

روزی را که برای امداد در سیل لرستان راهی این استان می‌شد، به خاطر می‌آورد؛ همان روزی که قرار بود در یکی از جشنواره‌های ملی، به عنوان برگزیده معرفی و تقدیر شود؛ «وقتی خبر سیل آمد و اعزام شدیم، هیچ فکر دیگری در سرم نبود به جز اینکه باید الان به ماموریت بروم. میانه‌های راه بودم که یادم افتاد آن روز باید در جشنواره‌ای که برگزیده‌اش بودم، شرکت کنم. مثل روز برابم روشن بود که اولویت من، امدادگری است. بی‌هیچ فکر و مکنی، به مسئول برگزاری جشنواره که تماس گرفته بود، اعلام کردم اولویت من این است که در لرستان باشم.»

سه سال از آغاز آشنایی «نیما احمدی» با هلال احمر می‌گذشت. یکی از اقوام‌شان در خانه پدری نیما مهمان بود که بریدن لقمه در گلویش، باعث خفگی‌اش شد. روستا فاصله زیادی با نخستین درمانگاه داشت و کاری از دست کسی بر نمی‌آمد، اما وقتی به نیما احمدی زنگ زدند و از او کمک خواستند، ورق برگشت. نیما احمدی می‌گوید: «از پشت تلفن خانواده‌ام را راهنمایی کردم که برای نجات این فرد باید چه کنند. آن روز وقتی دیدم می‌توانم با آموزش‌های ساده‌ای جان انسانی را در یک قدمی مرگ نجات دهم، تصمیم گرفتم هلال احمر را جدی‌تر دنبال کنم. آموزش‌های تخصصی دیدم و وارد تیم واکنش سریع استان کرمانشاه شدم.»

۱۴ سال از جوانی‌اش به همراهی با هلال احمر گذشته است. در این سال‌ها، لحظاتی که به او احساس غرور دست بدهد کم نبوده. وقتی از او درباره تاثیر امدادگر بودن در زندگی‌اش می‌پرسیم، می‌گوید: «زندگی یک امدادگر شباهت زیادی به زندگی شهروندی عادی ندارد. مثلا ۱۲ سال است که من لحظه سال تحویل پیش خانواده‌ام نبوده‌ام و در شیفت‌های امدادی به سر می‌برم. خیلی از امدادگران این تجربه را دارند. بسیاری از ما لحظه‌های مهمی را در زندگی، پیش خانواده و عزیزان مان نیستیم. بارها پیش آمده که دوست و آشنا از این مسئله گلایه کرده‌اند، اما هدفی که ما داریم آنقدر برپایمان ارزشمند است که این حسرت‌ها را به جان می‌خریم. ما چیزهایی را درون خودمان به ازای این حسرت‌ها به دست می‌آوریم.»

می‌گوید اسفند چند سال پیش بود که بالاخره خبر قبولی‌اش در آزمون اولیه شرکت خودروسازی به دستش رسید؛ خبری که می‌توانست آینده شغلی‌اش را تعیین کند. درست در روزهایی که باید برای آزمون حضوری به شرکت مراجعه می‌کرد، مصادف شد با ایام طرح نوروزی: «همزمان با کار امداد، در روابط عمومی جمعیت کرمانشاه هم فعالیت می‌کردم. طرح نوروزی آغاز شده بود. می‌دانستم که اگر به آزمون مرحله دوم بروم کسی نیست که حاصل زحمت بچه‌های هلال را نشان بدهد. برای همین قید مصاحبه مرحله دوم را زدم و بیش بچه‌های داوطلب ماندم.»

خانواده‌ها از ما بی‌خبر بودند



نیما احمدی از آن دسته امدادگرانی است که به دلیل شرکت در عملیات‌های کوهستان، کم‌کم به کوهنوردی علاقه‌مند شده و حالا فتح قله‌های مهم ایران را در کارنامه خود دارد؛ از دماوند و پروا گرفته تا سبلان و... او می‌گوید: «بسیاری از مردم، تا وقتی خودشان در صحنه حادثه گرفتار نشده باشند درکی از سختی کار تیم‌های عملیاتی و امدادی ندارند. مثلا در یکی از عملیات‌های کوهستان ما ۲۴ ساعت در سرمای بسیار شدید، در شرایط سختی مشغول جست و جوی یک مفقودی بودیم که ممکن بود جان خودمان هم به خطر بیفتد، اما برایمان خیلی شیرین است که بعد از گذشت سال‌ها، هنوز فردی که جان‌ش را نجات داده‌ایم گاهی به ما سر می‌زند و یادی از ما می‌کند. خانواده‌های ما مدام نگران هستند. در این میان وقت‌هایی هم هست که هیچ راه ارتباطی‌ای با خانواده نداریم تا از حال‌مان خبر دهیم. در زلزله کرمانشاه، با اینکه خانواده خودم در کرمانشاه بودند و تحت تاثیر زلزله، اما روز در قصرشیرین و روستاهای اطراف مانده بودم چون می‌دانستم مردم این مناطق به کمک ما نیاز دارند.»

یکی از بزرگ‌ترین حسرت‌هایش، این است که ایام اربعین هیچ‌وقت نتوانسته به همراه خانواده‌اش به کربلا برود؛ در حالی که در همین ایام در مسیر پیاده‌روی اربعین همیشه در شیفت‌های امدادی حضور داشته؛ ۳ سال است که خانواده‌ام به‌طور مداوم در ایام اربعین به کربلا می‌روند. در این سال‌ها من همیشه در شیفت‌های امدادی بودم و هیچ وقت فرصت نشده تادار این سفر همراه‌شان باشم. همیشه باهم تلفنی در ارتباط بوده‌ایم و آنها این جمله را تکرار می‌کردند که «جای تو خالی!» جمله‌ای که بسیاری از ما هلال احمری‌ها درباره اغلب دورهمی‌ها و سفرهای خانوادگی می‌شنویم، امات‌دل‌مان به‌اینکه یک هلال احمری هستیم افتخار می‌کنیم.»

نقل قول

پیرحسین کولیوند/ رئیس جمعیت هلال احمر
ماموریت اول هلال احمر در حج
خدمت به زائران است



کادر درمان در حج باید به چند مسئله دقت کند، معمولا تغییر آب‌وهوا، تراکم جمعیت، تغییر سبک زندگی، سن زائر و خستگی مخاطراتی را در مراسم حج ایجاد می‌کند. شایع‌ترین بیماری در مراسم حج، بیماری تنفسی است. در تمامی دوره‌ها بیشترین مراجعه‌کننده، افراد مبتلا به بیماری تنفسی هستند که به اشکال مختلف سرماخوردگی، آنفلوآنزا و کرونا خود را نشان می‌دهد.

مخاطره دیگر، عدم مصرف به موقع دارو در زائرانی است که بیماری مزمن دارند. مصرف نکردن به موقع دارو باعث بروز بیماری‌های دیگر در مبتلایان به بیماری‌های دیابتی، کلیوی و قلبی و عروقی می‌شود. بنابراین بهترین راه است که به عنوان کادر درمان نقش همراه و عضو خانواده او را انجام دهید. مشکلات گوارشی با تغییر سبک زندگی و غذا به وجود می‌آید و بحث گرمازدگی، انواع تروماها و تصادفات در پله‌های برقی و استفاده از وان حمام و سرویس بهداشتی از دیگر مخاطراتی است که وجود دارد و لازم است که شما آموزش‌های دقیق به روحانیون و مدیران کاروان‌های زبانی دهید. بازدیدهای بهداشتی از هتل‌ها و توزیع غذا در وعده‌های غذایی را جدی انجام دهید تا زائران بیماری‌ها پیشگیری کنند. اوادامه داد: «از کادر درمان درخواست می‌کنم که ایده‌های خود را با مرکز پزشکی حج و زیارت در میان بگذارند تا برای سال‌های بعد اسبب‌شناسی شود. ماموریت اول ما در خدمت به زائران است و باید به این افتخار کنیم. لازم است که دستورالعمل جامع و کاملی برای درمان و تجویز دارو تنظیم شود. همه کادر درمان با هم افزایی خود در تلاش باشند تا بهترین مراسم حج در حوزه درمان برگزار شود.»

سیدعلی مرعشی/ رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر



معاینات تمامی زائران حج انجام شد

معاینات تمامی زائران سفر حج توسط پزشکان متخصص و معتمد جمعیت هلال احمر انجام شده است. در سفر حج، هر کشور مسلمان وظیفه دارد به زائران خود خدمات بهداشتی و درمانی بدهد. به همین منظور، پزشکان داوطلب جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران هم در مناسک حج در مدینه و مکه و مشاعر، مستقر هستند و خدمات مختلف رایب زائران ایرانی حج ارائه می‌دهند. امسال میانگین سنی زائران ایرانی بالاتر از سال‌های قبل است و بالغ بر ۲۳۰ هزار بالای ۸۰ سال در سفر حج امسال حضور دارند اما با تمام قوا، خدمات درمانی در طول حج ارائه خواهد شد؛ چراکه سلامت زائران در رفت و برگشت به مراسم حج و در کشور عربستان برعهده جمعیت هلال احمر است. تیم درمان و پزشکی هلال احمر در سفر حج امسال بیشتر از ۴۰۰ نفر هستند. ما در میان زائران، بالغ بر ۴۰ هزار زائر دچار مشکلات قلبی، ریوی، فشارخون و... داریم. ۱۷ زائر دیالیزی نیز در این سفر همراه ما هستند که خدمات دیالیز این زائران با همکاری دولت عربستان ارائه خواهد شد. زائران قبل از سفر حج باید توان جسمی خود را با لابرنده تادار این سفر با مشکلات کمتری مواجه شوند. □

میزخبر

امدادگر داوطلب هلال احمر

کیف پر از طلا و پول راه صاحبش برگرداند

امدادگر داوطلب فعال در هلال احمر شهرستان هوراند، کیف پر از طلا، پول و کارت اعتباری را که در سیل پیدا کرده بود، به صاحبش برگرداند.

مهناز حسن زاده، داوطلب جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی گفت: «پس از بارش‌های رگباری جمعه، ساعت ۴ بعد از ظهر برای اطلاع از وضعیت عشایر منطقه و امدادگرانی احتمالی به آنها با خودروی نجات شعبه هوراند به منطقه گردشگری تنباکولو رفتیم. پس از پیاده شدن از خودرو در نزدیکی رودخانه، زنجیر یک کیف زنانه از دور برق می‌زد. من درحالی‌که از همراهانم جدا شده بودم فاصله‌ای را طی کردم تا به کیف رسیدم.» او ادامه داد: «کیف خیس بود و احتمال دادم رودخانه آن راه این منطقه آورده باشد، برای پیدا کردن موبایل یا مدرک شناسایی احتمالی، آن را باز کردم و یک گوشواره، چند دستبند و چند قطعه طلا به همراه مقدار زیادی پول نقد و چند کارت اعتباری را که مشخص بود نواست و تازه از بانک دریافت شده، در کیف دیدم و جالب بود که حتی پاکت رمز کارت‌های بانکی در کیف بود.» او توضیح داد: «در کیف یک پوکه سیم کارت پیدا کردم که سیم کارت آن جدا شده بود اما شماره آن رویش درج بود. بنابراین به آن شماره تلفن زدم.» حسن زاده با اشاره به اینکه صاحب کیف متوجه گم شدن آن نشده بود، گفت: «تا ساعت یازده ونیم شب هرچه با آن شماره تماس گرفتم، خاموش بود. مدت زیادی در منطقه ماندم. چون گمان می‌کردم صاحب کیف به دنبال آن برگردد، اما در ساعت یازده ونیم شب زنی تلفن را جواب داد و گفت که اهل تبریز است و روز جمعه برای تفریح با خانواده خود به منطقه تنباکو آمده‌اند. آنها تازه به تبریز رسیده و هنوز متوجه گم شدن کیف نشده بودند.» □



اخبار به روایت اعداد

۱۸۷

نفر از خدمات کاروان سلامت در شهرستان شبستر بهره‌مند شدند.

۲۹

مسافر بر اثر واژگونی یک دستگاه اتوبوس در جاده قزوین البرز - محمدیه مصدوم شدند.

۲۴۷

تخت بیمارستان امام علی (ع) در نجف اشرف آماده خدمات‌رسانی به زائران اربعین حسینی است.